تخته سفید شماره ۱۰۹

تاک

تفاوت‌های فردی کودکان

زری آقاجانی

● اکثـر تازه‌والدهـا اطلاعات کمـی از مراحل رشـد فرزندشـان یا بچه‌داری دارند و به همین دلیـل در جمع دوسـتان و فامیل روند رشـد و توانایی‌های فرزندشان را با کودکان دیگر مقایسه می‌کنند؛ ای‌کاش بدانند که با این کار، خودشان و کودکشان را دچار رنج و استرس می‌کنند.

هر کودکی و اساسـا تمام انسـان‌ها متفاوت آفریده شده‌اند و این تفاوت از بدو خلقت آگاهانه و از روی تعقل بوده است. چنانچه اگر این تعدد و تفـاوت نبـود الان زندگی خیلی خسـته‌کننده می‌شد و هیچ پیشرفتی در دنیا صورت نمی‌گرفت، پس به تفاوت‌ها احترام بگذاریم! در یک تعریف کلی رشـد عبارت از تغییـرات فیزیکی کودک و رشـد توانایی‌هایی اسـت که او بـرای یادگیری مهارت‌های اجتماعی، عاطفی، رفتاری، فکری و ارتباطی در زندگی نیاز دارد. همه این حیطه‌های رشـد با هم مرتبط هسـتند و هرکدام بر یکدیگر تاثیـر می‌گذارند. در پنج سـال اول زندگی، مغز کودک شما سریع‌تر و بیشتر از هر زمان دیگری در زندگی رشـد می‌کند. تجربیات اولیه کودک، تنوع روابط او و چیزهایی که می‌بیند، می‌شنود، لمس می‌کنـد، می‌بوید و طعم و مـزه می‌کند، مغز او را تحریک و میلیون‌ها ارتبـاط برقرار می‌کند. در این زمان اسـت که پایه‌های یادگیری، سـلامتی و رفتـار در طـول زندگی ایجاد می‌شـود. همه نوزادان برای آموختن به دنیا می‌آیند و هرچه از مغزشان استفاده کنند، بهتر رشد می‌کند، بنابراین کـودک به یک محیط امن و حمایتگر که مملو از فعالیت‌ها و محرک برای بازی و یادگیری باشـد، نیاز دارد. کـودکان از بودن با یکدیگر و از محیط بسـیار می‌آموزند و این مجـاورت که حاصل آن «تجربه» است برای رشـد کودکان بسیار حیاتی اسـت، زیرا جهان‌بینی و نگاه کـودک به جهان را شـکل می‌دهد. در میان این ارتباطات اسـت که کودک دوست‌داشـتن و دوست‌داشته‌شـدن را می‌آموزد و شـادی و گریـه را تجربه می‌کند. کـودکان از لابـه‌لای روابط والدیـن و مربیان و دوستان، مهارت‌های بین‌فردی را می‌آموزند پس مراقب روابط خود در مقابل کودک باشـید! بازی در رشـد و یادگیری کودک اهمیت بسیار دارد. او با بازی سـرگرم می‌شود، کشف می‌کند، مشاهده و آزمایش کرده و مشـکلاتش را حل می‌کند و از اشـتباهاتش می‌آموزد. کـودک در این میان نیاز به تشـویق و حمایت والدین دارد ولی بین کمک به او و اینکه اجازه دهیـد خودش تجربه کند تا بفهمد، تفاوت وجود دارد.

اجازه دهید کودک اشـتباه کنـد. هرچقدر با کودک خود بازی کنید و برایش وقت صرف کنید، مهارت‌های برقراری ارتباط، تفکر، حل مسئله و... در وی بیشـتر تقویت می‌شود. بازی برای کودک این معنا را دارد که او «مهم» اسـت. اگر شـما والدینی هستید که به این موارد توجه دارید و این شـرایط را برای کودک خود خلق می‌کنید، دیگر نیـازی برای قیاس فرزند خود بـا دیگران ندارید زیرا شـما تفاوت‌ها را قبول کرده و برای پرورش ویژگی‌هـای منحصربه‌فـرد کودک خـود وقت صرف می‌کنید.

***پژوهشگر مؤسسه مطالعات کودکی مدرس**

دام میانگین و بی‌توجهی به تفاوت‌ها و عدم تعادل‌ها

مسعود کریمی . آموزگار

در حـوزه اجتماعـی کـه آمـوزش نیـز یکی از بخش‌هـای آن اسـت اغلـب آمارهایی کـه بیان می‌شـود، به صـورت میانگین، میانه یـا تجمیع در سطح کلان و ملی هستند که به نظر می‌رسد اتکا به میانگین‌ها دام بزرگی برای برنامه‌ریزی عدالت‌محور محسوب می‌شـود. آمارهایی که به صورت میانگین بیان می‌شوند دامی هسـتند که عدالت اجتماعی و عدالت فضایی را تحت‌الشـعاع قـرار می‌دهد. مثلا بیان می‌شـود که درصد باسوادها در کشور بالای ۹۰ درصد اسـت. این عدد خوبی اسـت و ممکن است احساس شـود در این زمینه مشـکلی وجود ندارد. اما از منظـر عدالت نکته‌ای که باید مورد توجه قرار گیرد، این است که پراکندگی بی‌سوادان چگونه است و ۱۰ درصد بی‌سـوادان در کدام مناطق، شـهرها و سکونتگاه‌های انسـانی بیشتر پراکنده‌اند؛ همین‌طور تجمع بی‌سـوادان بیشـتر در کدام گروه‌های سـنی است؛ به عنوان مثال در برخی مناطق مانند سیستان و بلوچسـتان در برخی گروه‌های سنی بی‌سوادی به ۶۰ تا ۷۰ درصد می‌رسد. از این رو بهتر است بخشی از مدیریت آمارها به سـمت مدیریـت پراکندگی‌ها و انحرافـات و برنامه‌ریزی فضایی سـوق پیدا کند تا گرفتار دام میانگین‌ها نشویم.

ما نیازمندیم قدری از برنامه‌ریزی جامع کشـوری فاصلـه بگیریم و به برنامه‌ریزی منطقه‌ای بپردازیم. منظور مناطقی اسـت که زنـگ خطری از وضعیت نامسـاعد آموزشی نشـان می‌دهند که باید خارج از برنامه‌ریزی کلان در اولویت قرار گیرند. اگر به سمت حل این عدم تعادل‌ها حرکت کنیم، آن‌گاه شاید لازم باشـد در توزیع سـرانه‌ها تجدید نظر صورت گیرد و سرانه شهری و روسـتایی یا مناطق محروم و مراکز استان‌ها نباید یکسان باشد.

افرادی کـه به چرخـه آموزش‌های رسـمی و غیررسمی وارد نشـوند، یا آموزش با کیفیت لازم را دریافـت نکنند، طبیعتا از گردونه توسـعه در هزاره سوم به حاشـیه رانده شـده یا کنار خواهند رفت و کمتـر فرصت و توان حضور در بخش‌های رسـمی اقتصـاد و اجتمـاع را خواهنـد داشـت. در مقابل بـه ناگزیـر وارد بخش‌هـای غیررسـمی و اقتصاد غیررسمی خواهند شد که فرصت چانه‌زنی را از آنان خواهد گرفت. البته باید در نظر داشـت که در سایه توسـعه فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی و گسترش دنیـای مجازی با وجود باور اقتصاددانان کلاسـیک بخش غیررسمی نه تنها در بخش رسمی مستحیل نشده بلکه گسـترده‌تر نیز شده اسـت. نکته جالب اینجاسـت که علم و فناوری به عنوان فرصتی برای توسعه بخش غیررسمی نوین عمل کرده است ولی باید توجه داشـت آنچه در اینجا مـورد نظر بخش غیررسـمی و اقتصاد غیررسـمی سـنتی است، نیاز چندانی به علـم و تخصص ندارد، در حالی که نوع نوپدید آن در اصل آمیخته با علم و تخصص اسـت. در اینجا نیز عدالت حکم می‌کند شـناخت و تحلیل فضایی دقیق و درسـتی از بی‌سوادان، بازمانده‌ها از تحصیل یا ترک‌تحصیل‌کرده‌ها داشـته باشیم. از این رو ضروری است با فاصله‌گرفتن از برنامه‌ریزی‌های جامع و بـا دوری از دام میانگین‌ها بـه برنامه‌ریزی فضایی مبتنی بر قابلیت‌ها، تفاوت‌ها و عدم تعادل‌ها سوق پیدا کنیم و به شناخت و تحلیل و تغییر پدیده‌ها در بستر فضایی‌شان بپردازیم و این میسر نخواهد شد مگر با غنای آماری و دسترسـی به داده‌های مکانی به عنوان گام اول و مهم سیاست‌گذاری.

اما عـدم تعادل‌ها در حوزه آموزش کجاسـت؟ بـرای مثال عدم تعادل نسـلی وجـود دارد، یعنی هر چه سـن بالاتـر می‌رود، بی‌سـوادی نیز افزایش می‌یابد. عدم تعـادل بین گروه‌های اجتماعی، یعنی هر چه پایگاه اجتماعی پایین‌تر باشـد، فقر آموزشی بیشتر اسـت. به عبارت دیگر خانوارهایی که درآمد کمتری دارند و پدر و مادر فقیرتری دارند، در آموزش هـم احتمـالا فقیرترند مخصوصا با نظـام طبقاتی که برای آموزش ما تعریف شـده است. عدم تعادل در عرصه سـرزمین و بین مناطق، عـدم تعادل بین مناطق شـهری و روسـتایی، عدم تعادل بین مرکز و پیرامون، یعنی با دورترشدن از مرکز استان مشکلات افزایـش می‌یابند، عـدم تعادل بین مرکز کشـور و مرزها (مرکز و پیرامون). چند استان مرزی با مناطق محروم در غرب کشـور و چند استان مرزی با مناطق محروم در شرق و جنوب شـرقی کشور که سیستان و بلوچسـتان یک نمونه بارز این عدم تعادل است. می‌تـوان از این عـدم تعادل به یک غده سـرطانی تعبیـر کرد که هرچه به پیرامون نزدیک می‌شـویم، وضعیت بدخیم‌تر می‌شود. در برنامه‌ریزی به دنبال تخصیص بهینه منابع کمیاب در سراسـر سـرزمین ایران هسـتیم. ولی با گذشت سال‌ها، هنوز موفق به توزیع متعادل این منابع نشده‌ایم و به عبارت فنی‌تر بین برنامه‌ریزی‌های بخشـی، منطقه‌ای و سرزمینی به تلفیق مناسـبی دست نیافته‌ایم از این رو همواره عدم تعادل‌ها بیشتر شده است.

نقش مدرسه در کنترل آسیب‌های اجتماعی در میان دانش‌آموزان

هدی صاحبی . کارشناس‌ارشد جامعه‌شناسی

در ادبیات جامعه‌شناسی با ارجاع به مفهوم کلاسیک «جامعه‌پذیری» (یا socialization) از عوامل یـا کارگزاران انتقال ارزش‌های اجتماعی از نسـلی به نسـلی دیگر نام برده می‌شـود و بعد از نهاد خانواده، یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین این کارگزاران را نهاد مدرسـه یا آموزش رسمی شناسـایی می‌کنند. هرچند می‌دانیم که عوامل دیگری مانند رسانه‌ها و سـایر محیط‌های اجتماعی نیز به همین ترتیب کـودکان را با ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی آشـنا می‌کنند تا ایشـان به‌تدریج راه‌ورسم زندگی در چارچوب‌های فرهنگی جامعه خـود را بیاموزند و پذیرای نقش‌های آتی خود شـوند. مجموعه ایـن نهادها تلاش می‌کنند وفاق ارزشـی و قواعد رفتاری و هم‌شـکلی لازم را از طریق اعمال «نظارت اجتماعی» یا social control در میان افراد جامعه از ابتدای طفولیت به وجود بیاورند. بااین‌حال، شـرایط ویژه‌ای که در عصر حاضر با آن مواجه هسـتیم پدیده تنوع فزاینده رفتارها و سبک‌های زندگی و افزایش فاصله‌های بین‌نسلی، در نتیجه عواملی مانند گسـتردگی مهاجرت‌های روسـتا شـهری، رشد حاشیه‌نشـینی و سـرعت تبادل اطلاعات و کاربـرد تکنولوژی‌های نوین ارتباطی با محتوای کنترل‌نشـده یا غیرقابل‌کنترل آن، با حدت و شـدت و سـرعتی بسیار بیش از آن چیزی اسـت که امثال من و نسل‌های پیش از من تجربه کرده یا می‌کردند. عصـر ما از جمله به‌عنوان عصر ارتباطات، رسـانه‌ها و شـبکه‌های مجازی شـناخته می‌شـود کـه زندگی تک‌تک افراد، اعم از پیر و جوان و کودک را تحت‌الشـعاع خود قرار داده اسـت. نگرانی‌هایی که در پی این تغییرات شـتابنده به وجود آمده است عمدتا ناشـی از عدم آمادگی عمومی، اعم از والدین، مسئولان و سیاست‌گذاران در مواجهه با پدیده‌های زندگی نوین اجتماعی است.

مدارس نیز از این مشـکل عدم آمادگی مبرا نیسـتند. به نظر می‌رسد همان مشـکلی که والدین خود را با آن مواجه می‌یابند، اولیای مدرسـه نیز تجربه می‌کنند؛ اینکه در شـرایط جدید چگونه تشخیص بدهند کدام ارزش‌ها و هنجارها پذیرفتنی و کدام نامطلوبند. در شرایط تنوع روزافزون امکانـات فناوری‌های جدید ارتباطی و اطلاعاتـی امروز که والدین و گاه اولیای مدرسـه در مقایسـه با نسـل‌های نو اتفاقا از «سـواد رسانه‌ای» media literacy پایین‌تـری برخوردارند چگونه می‌توانند تسـلط خود و قدرت اعمال کنترل خود را بر نسل‌های جدید حفظ کنند و تداوم ببخشند. نوعی ناهم‌زمانی بین‌نسلی یا آنچه می‌توان «شکاف بین‌نسلی دیجیتال» نامید از منظر فرهنگ ارتباطی پدیدار شـده اسـت. دسترسـی کودکان و نوجوانان به منابع کسب خبر، برقراری ارتباط و دوستی با سایر همسالان و شـیوه گذران اوقات فراغت ایشـان در فضاهای تعامل مجازی فراهم می‌شود که والدین و اولیای مدرسه چندان شناخت عمیقی نسبت به آنها ندارند و در نتیجه نسـبت به گذشته امکانات کمتری برای تأثیرگذاری بر آن دارند و طبیعی اسـت که عدم شناخت و نبود اشراف کافی و ناآگاهی می‌توانـد ترس و نگرانی و دغدغه ایجاد کنـد. نگرانی‌هایی که امروزه از آن سخن می‌رود مرتبط است با نشـانه‌های افزایش رفتارهای نابهنجار و انواع مشـکلات اجتماعی و تبعات سـوء آن، به‌ویژه در میان کودکان و نوجوانان که آسیب‌پذیرترین اقشار جامعه به حساب می‌آیند. در صورتی که گسترش شناخت نسبت به تحولات فرهنگی و اجتماعی، آموزش‌های لازم و تدبیر در جهت بسترسـازی برای مواجهه با شرایط جدید فرهنگی و تکنولوژیکی و انطباق بهتر با آن می‌تواند جایگاه مناسـب‌تر تأثیرگذاری مطلوب در جهت هماهنگی و وفاق و انسجام اجتماعی بیشتر نسل‌های جدید را برای مسـئولان نهادهای آموزشـی و پرورشی فراهم آورد. یکی از مهم‌تریـن عرصه‌هایی که موجـب نگرانی والدین و اولیای مدرسـه شـده و می‌شود، تعامل در فضای مجازی اسـت که معمولا با صفات و برچسـب‌های منفی از آن یاد می‌شود، درحالی‌که همین فضای تعاملی و ابزار همبسـته با آن در جوامع دیگری - در چارچوب برنامه‌ریزی‌های سـنجیده و هدفمند- راه خود را به فضـای آموزش و پرورش کودکان و نوجوانان باز کرده و زمینه‌سـاز توسـعه آموزش و پژوهش و ازبین‌بردن محدودیت‌های سنتی دستیابی به منابع آموزشی و تعامل علمی شده‌اند و پویایـی لازم را در میـان دانش‌آموزان و معلمـان و نهادهای علمی و فرهنگی فراهـم آورده‌اند. در چنیـن فضاهایی، امکانـات تکنولوژیکی مـدرن در چارچـوب آموزش‌های تدارک دیده‌شـده دیگر نـه به‌عنوان تهدید، بلکه به‌عنوان ابزار توسـعه و پیشرفت تلقی شده و حمایت‌های لازم برای مبراکردن و محافظـت از دانش‌آموزان از مخاطرات بالقوه در فضـای تعاملی مجـازی را هم فراهم کرده‌اند. کـودکان و نوجوانان در فضای واقعی نیز در معرض انواع مخاطرات قرار دارند و آنچه به‌عنوان آسیب‌های اجتماعی ممکن اسـت ایشان را تهدید کند در وهله نخست در فضای زندگی واقعی ایشـان پدیدار می‌شود که خود نیازمند مداخله آگاهانه، برنامه‌ریزی‌شـده و هوشمندانه نهادهای ناظر بر جریانات تحول اجتماعی و فرهنگی و تمام ذی‌نفعان آنهاست.

یادداشت

هنرهای نمایشی در تابستان دانش‌آموزان

کامل حسینی

معلم

● در تعطیـلات تابسـتانی مواردی که باید توسـط والدیـن به عنوان اوقـات فراغت برای فرزندانشـان هزینه شـود، مربوط به حوزه‌هایی اسـت که شـاید به‌طـور غیرمسـتقیم و پنهـان در برانگیختن روحیه دانش‌آموزان به یادگیری بهتر و تشویق آنها به آمادگی بیشتر برای آغاز سال نو کارآمد باشد؛ مانند حوزه تئاتر و سینما. باید توجه داشت که نقش سالن‌های تئاتر و سـینمایی که مناسب کودکان و نوجوانان است مانند برگـزاری کلاس‌های دروس مختلـف دوره عمومی، دورهی تخصصی و حتی کلاس‌های خصوصی، آثار و نتایج مستقیم و آنچنان عینی ندارند بلکه به گونه‌ای دیگر در درازمدت نقش و کارایی سـازنده آنها آشکار خواهد شـد. ولـی دیدن این حقیقت توسـط اولیای دانش‌آموزان، چشـم بصیرت و دانایی می‌خواهد. در حقیقت غرض نگارنده این نیسـت که انتظار داشـته باشیم در پرده‌های تئاتر یا سکانس فیلم‌های سینمایی یافتـه دانش‌هایی مانند ریاضی، فیزیـک و جغرافیا، گنجانده شود و سالن تئاتر و سینما بدل به کلاس‌های تدریس شود بلکه هدف، بازتاب ارزش‌های معنوی و انسـانی در آیینه جهان خیالی و زیبای بازآفرینی‌شده به وسیله قدرت هنری کارگردان و نویسندگانی است که دغدغه آنها دگرگونی روحیه اخلاقی و تلاشـگری یا تشویق کودکان و نوجوانان دانش‌آموز مستعد برای تداوم هنرهای نمایشی و سینماست.

در اینجـا نمونـه‌ای مـی‌آورم: یکی از اسـتادان شناخته‌شده تئاتر گفته است که در زمان کودکی دیدن یک تئاتر سبب پیدایش علاقه به تئاتر در او شده است. این‌گونه گاهی سـالن‌های تئاتر و سـینما کوبنده‌تر از کلاس‌های درس اثرگذار خواهند بود.

کوبندگی ناگهانـی و دگرگون‌کنندگـی درازمدت پنهانی، شاید این‌گونه است که دانش‌آموزان از لحاظ روحی برانگیخته خواهند شـد و به‌طور خودخواسته در رفع رکودی احتمالی تلاش کنند که ممکن اسـت با تعطیلات تابسـتانی در کمین آنها نشسـته باشـد. برگزاری جشـنواره‌های تئاتر کـودکان و نوجوانان یا جشـنواره‌های فیلم کودک و نوجوان در کنار برگزاری مرتب و اسـتاندارد کلاس‌های مختلف در حوزه‌های هنر تئاتر و سینما از مصادیق بارز اقدامات فرهنگی و هنری جهت پرورش اسـتعداد و علایق زلال هنری و سپس ایجاد روحیه انسانیت و معنویت در آنهاست؛ جایی از عالم رازآلود و جذابی که هنرمندانه می‌توانند به عمـق روان هنوز نـه چندان آلـوده و ناخودآگاه کودکان و نوجوانان نفوذ کنند تا دغدغه‌مندی، روحیه کنجـکاوی و سـپس علاقه‌مندی آنهـا را همچنان شـعله‌ور نگه دارند. از طرفی دیگر با توجه به وجود عنصر سـرگرمی در حوزه هنرهای نمایشـی به‌ویژه سینما آشنایی بیشتر و تدریجی دانش‌آموزان با این‌گونه هنرها در تابستان که زمان فراغت بیشتر است، اهمیت دوچندانی می‌یابد. البته به نظر نگارنده، سـخن‌گفتن از بعد آموزندگی و سـرگرمی هنرهای نمایشی بیشتر متوجه خانواده‌هایی اسـت کـه امکانات جغرافیای محـل زندگی آنها تا حـدودی پاسـخگوی این‌گونه نیازها خواهد بود و در غیر این صورت این‌گونه بحث و پیشـنهادها در سرزمین‌هایی که حتی محروم از یک سالن سینما یا تئاتر هسـتند، به قول یک روزنامه‌نگار نمک‌پاشـیدن بر زخم آن افراد و به مثابه نوشـتن در سرزمین خیال است نه واقعیت امروزی.

جدول ۳۴۴۰ ■ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- بسیار مقرراتی و منضبط- دانه خوراکی غنی از پروتئین- خودنمایی بی‌جا ۲- دسـته هاون- پی در پی بـودن- جوان ۳- اصطلاحی در شـطرنج- تخت سـلطنت- رخنه‌گر اینترنتی ۴- انتها- دارای حرکت - قاره کریستف کلمب ۵- شهری در استان چهارمحال و بختیـاری- دوره تناوب ۶- از اجزای میـز- تهیه‌کردن- مذهب بومـی ژاپن ۷- بدذات- جهادگر راه خـدا- زیاده‌خواهی ۸- گرفتگی زبان- فحـاش- درختی بـا برگ‌های پنجـه‌ای ۹- حرف نـدا- پروتئین سـلول زنـده- تردیـد ۱۰- پایتخت تبت- جزیره بزرگ ایتالیـا- ترش‌رویی ۱۱- کهنه و فرسوده- دلاوری ۱۲- ورزشگاهی در میلان ایتالیا- آسـان‌کردن- نشـانه مصدر جعلـی ۱۳- چین و چروک- آب هدررفته- اتومبیل کرایه ۱۴- شهری در هنـد- مدخل- رودی در آلمان ۱۵- معاون هیتلر- بی‌ارزش و بی‌مصرف- ورید.

عمودی:

۱- بزرگ‌ترین عصب- رمانی از الکساندر دومای پدر ، نویسنده فرانسوی ۲- چربی شیر- داخلی‌ترین لایه چشـم- نام مادر امام زمان(عج) ۳- وسـیله بازی- حضورداشـتن- دهنه اسب ۴- دستور زبان خارجی- از تفریحات مهیج در سواحل دریا- ضمیر سـوم شـخص ۵- از درجات نظامـی- ناخالص ۶- عریـان- مجموعه شـعری سـروده سـهراب سـپهری- عیـد باسـتانی ایرانیان ۷- بنـدری در بلغارسـتان- جریان مسـتقیم برق- رنگ احتیاط رانندگـی ۸- از جزایـر خلیج‌فـارس- فاقد عقیده ثابت- از ظروف پرمصرف آشـپزخانه ۹- سرپرست- مجموعـه کـف و انگشـتان دسـت و پـا- برگزیده ۱۰- شـغلی ندارد- تفکر- بله انگلیسـی ۱۱- در هر زمـان- زادگاه ۱۲- نوشـیدنی حیات‌بخش- حادثه، ماجـرا- معشـوق ۱۳- نجات‌یافتن- زمین مسـطح و وسـیع اطـراف کوه- علـف خشـک ۱۴- از لوازم آرایشی صورت- درس عبرت پیشینیان- آسان ۱۵- از باشگاه‌های فوتبال اسپانیا- گردهمایی سیاسی.

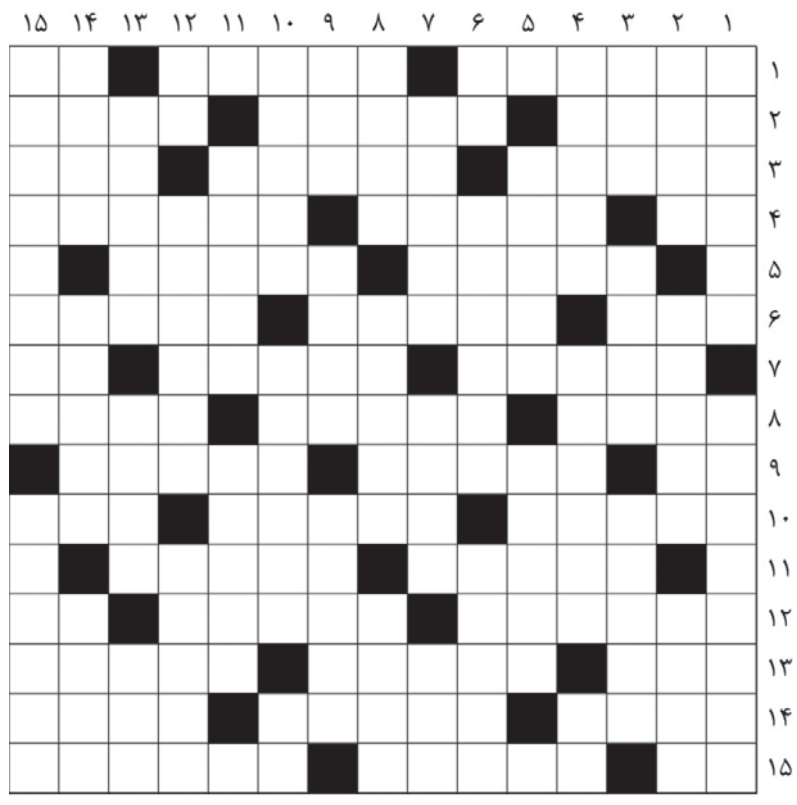

حل سودوکو سخت

۳	۱	۹	۸	۲	۷	۶	۴	۵
۵	۶	۸	۴	۱	۳	۲	۷	۹
۷	۲	۴	۶	۵	۹	۸	۳	۱
۸	۳	۲	۱	۷	۶	۹	۵	۴
۱	۴	۶	۹	۳	۵	۷	۲	۸
۹	۵	۷	۲	۸	۴	۳	۱	۶
۶	۷	۵	۳	۹	۱	۴	۸	۲
۲	۹	۳	۵	۴	۸	۱	۶	۷
۴	۸	۱	۷	۶	۲	۵	۹	۳

حل سودوکو ۲۴۳۵

۳	۶	۷	۲	۹	۸	۵	۱	۴
۹	۵	۲	۷	۴	۱	۳	۶	۸
۱	۴	۸	۶	۳	۵	۲	۹	۷
۶	۸	۱	۵	۲	۴	۷	۳	۹
۲	۷	۹	۱	۸	۳	۴	۵	۶
۵	۳	۴	۹	۶	۷	۱	۸	۲
۸	۱	۵	۴	۷	۹	۶	۲	۳
۴	۲	۳	۸	۱	۶	۹	۷	۵
۷	۹	۶	۳	۵	۲	۸	۴	۱

جدول ۳۴۳۹

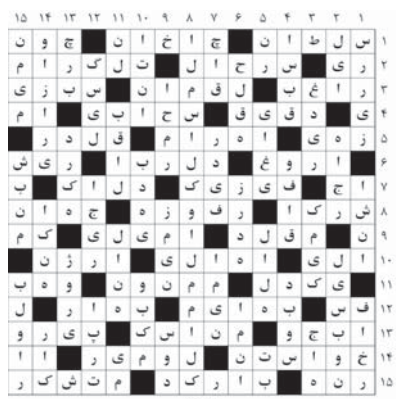

سودوکو سخت ۲۴۳۶

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

۱						۷		
	۹				۳			۵
				۷		۸		
۴					۵		۲	
۸		۵	۹		۶	۴		۳
	۷		۲					۹
		۸		۹				
۲			۶				۵	
		۴						۷

سودوکو ساده ۲۴۳۶

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

		۳			۹	۷		
		۶	۲	۳		۸		
۷	۱	۹		۶			۲	
۵			۸				۹	
۱	۶			۲			۵	۷
	۳				۵			۸
	۴			۵		۹	۷	۶
		۷		۹	۶	۵		
		۵	۷			۲		